

هشدار در مورد بمباران ایران

از شماره ماه مه 2006 پروگرسو

به قلم ماتیو رات شیلد Matthew Rothschild
ترجمه فریدون گیلانی

نمی توانیم به خاطریک دوره عمل احمقانه ، نامعقول ، پرخرج و خونین ، به این نتیجه برسیم که دولت بوش به این روش ادامه نخواهد داد . و فقط به این دلیل که ارتش ایالات متحده در باتلاق عراق فرو رفته است ، دولت بوش اشتهايش را برای ماجراجویی های نظامی از دست داده است.

این دولت ، در افکار عمومی بی آبرو شده ، اما اعتیاد به تجاوز نظامی را افزایش داده است . حالا به نظر می رسد که اسب بوش دارد برای حمله ایران زین می شود . ما نمی توانیم با درک غلط ، یا حس نادرست ، با تن آسائی به خود آرامش بدهیم . رای پائین بوش در انتخابات و ناکامی ایالات متحده در عراق ، می تواند از دلایل نقشه ی او برای بمباران ایران باشد ، می تواند هم نباشد .

کارشناسان پروگرسو که مسائل امنیتی ایالات متحده را چند دهه است دنبال می کنند ، به طور فزاینده ای دارند یقین پیدا می کنند که بوش نقشه ی بمباران ایران را دارد به پیش می برد .

« مایکل کلیر » استاد مطالعات صلح و امنیت جهان در کالج « هامپشایر » به پروگرسو می گوید: هفتاد پنج در صد احتمال دارد بوش پیش از انتخابات 2006 ایران را بمباران کند.

« سی مورهرش » نویسنده نیویورکر بیش از یک سال است که دارد اخطار می دهد بوش به ایران حمله خواهد کرد. « هرش » در هفدهم ژانویه 2005 در مصاحبه ای با سی ان ان گفت : « آدم های مقتدر دولت ، واقعا می خواهند دست به چنین کاری بزنند. »

همان زمان « هرش » در نیویورکر نوشت : « من بارها در مصاحبه هایم تکرار کرده ام که هدف استراتژیک بعدی ایران است . دولت امریکا مدام گروه های اکتشافی را مخفیانه به داخل خاک ایران می فرستد . از تابستان 2004 هم دارد این کار را می کند . هدف ، شناسائی و ایزوله کردن سی و شش هدف ، و شاید هم بیشتر است . منظورهدف هائی است که در یک حمله هوائی ، با نشانه گیری دقیق بکلی نابود شوند تا زمینه ی فوری را برای حمله ی برق آسا آماده کنند »

« جوزف کرین چیونه » مدیر امور توسعه نیافتگی موسسه کمک به صلح جهانی ، قبلا فکر می کرد بمباران احتمال ندارد . حالا دیگر چنین فکری نمی کند . منابع او ، به او می گویند که مقام های عالی رتبه ی بوش « می خواهند به ایران حمله کنند » آقای « کرین چیونه » در وب سایت سیاست

خارجی ، مجله ی بیست و هفتم مارس ، نوشته است . « وضعی را که قبلا پیش بینی نمی کردم ، این بود که کارزار هماهنگی برای حمله نظامی به ایران در حال آماده سازی باشد . « کرین چیونه » در عنوان مقاله اش نوشته است « دوبار مرا فریب دادند »

می توانیم به ماه مارس برگردیم و ملاحظه کنیم که چگونه سران جنگی بوش ، لغز خوانی هاشان را شدت دادند تا کشمکش با ایران را به نقطه جوش برسانند .

باردیگر دیک چینی آب را جوش آورد

همان گونه که دیک چینی در اگوست 2002 با سخنرانی برای کهنه سربازان جنگ های خارجی ، شعله های جنگ عراق را برافروخت ، هفتم مارس 2006 هم درگیری با ایران را چاشنی نوعی سخنرانی از همان دست و برای همان جنگ افروزان کهنه کار کرد .

چینی ، در این سخنرانی تاکید کرد که اگر ایران در همین مرحله باقی بماند ، نتیجه بیهوده از کار در خواهد آمد . چینی بر این نکته پا فشرد که « ایالات متحده همه ی گزینه ها را برای رژیم غیر مسئول ایران روی میز گذاشته است.» و گفت : « ما برای فرستادن پیامی برای رژیم ، به ملت های دیگر خواهیم پیوست . ما به ایران اجازه نمی دهیم سلاح هسته ای داشته باشد.»

در شعله ور کردن آتش ، دیک چینی تنها نبود .

در همان روزی که دیک چینی سخنرانی می کرد ، دونالد رامسفلد اخطار کرد که ایران در امور عراق دخالت می کند . « حکومت ایران مدام افرادی را به داخل خاک عراق می فرستد تا مرتکب اعمالی شوند که برای آینده ی عراق زیان بخش است . « وزیر دفاع ایالات متحده ، در مصاحبه مطبوعاتی پنتاگون گفت : « من فکر می کنم آنها دچار اشتباه محاسبه شده اند . « در همان هفته ، « جان بالتون » ؛ گاورنر ایالات متحده در دکان سازمان ملل ، گفت : « اگر ایران به برنامه اتمی خود ادامه دهد ، با « نتایج محسوس و دردناکی » رو به رو خواهد شد .

خود بوش ، ایران را برای ایالات متحده « خطری برای امنیت ملی » خواند و حرف های معاونش دیک چینی را تکرار کرد که ایالات متحده اجازه نخواهد داد ایران به بمب اتمی دسترسی پیدا کند.

« کندولیزا رایس » وزیر امور خارجه ی ایالات متحده ، در شهادت بیست و هشتم مارس 2006 خود در سنا گفت « تردیدی وجود ندارد که ایران برای ما بزرگترین خطر است.»

بخشی از کارزار هماهنگ علیه ایران (ملت ایران - م) در استراتژی ماه مارس امنیت ملی بر ملا شد . در این گزارش چهل و هشت صفحه ای که ظاهری مستند دارد ، تاکید شده است که . « با هیچ

کشوری به اندازه ی ایران درگیر نخواهیم بود.» این گزارش ایران (و سوریه) را « دشمنان آزادی، عدالت و صلح » می خواند و می افزاید : « دنیا باید روی این دو رژیم تامل بیشتری بکند.»

در گزارش چهل و هشت صفحه ای امنیت ملی ، در رابطه با ایران ملاحظه می کنیم که عبارت «فقط اگر » چه نقشی دارد . گزارش می گوید : « مساله اتمی و سایر مواردی که ما روی آن ها حساس ایم ، « فقط اگر » رژیم ایران تصمیم های استراتژیک خود را بر مبنای تغییر سیاست بازکردن فضای سیاسی داخلی و تامین آزادی برای مردم تغییر بدهد ، در نهایت می تواند قابل حل باشد . « فقط اگر » ، در این عبارات نقش خود را به صورتی درشت نشان می دهند .

این برنامه ، هم چون این ، تکرار جرم دولت ایالات متحده در داشتن حق تقدم در جنگ است . «گزارش امنیت ملی به ما می گوید حق تقدم در استراتژی امنیت ملی ما ، به قوت خود باقی است » و تاکید می ورزد : « ما منتظر نمی مانیم که به ما حمله شود ، حتی اگر به یقین ندانیم در چه زمان و مکانی به ما حمله خواهد شد.»

ایالات متحده ، همان گونه که پیش از آغاز تجاوز نظامی به عراق عمل کرد ، سلسله مراداتی با هم پیمانان و استفاده از سازمان ملل را دارد به پیش می برد . اما مقصودش کاملاً روشن است : «اگر در گیری اجتناب ناپذیر باشد ، این اقدامات دیپلماتیک باید صورت پذیرد.» شورای امنیت ملی، با این نتیجه گیری ، حرف آخر را می زند.

اما جرج بوش نمی خواهد اقدامات دیپلماتیک در مورد ایران به نتیجه برسد . اگر غیر از این بود ، خود را موظف به گفت و گوی مستقیم با ایرانی ها می دید (منظور دولت جمهوری اسلامی است ، و نه مردمی که پیش از دودهه است برای سرنگونی آن دارند مبارزه می کنند و این امر را با توان خود باید به پیش ببرند ، نه با دخالت های سودجویانه ی امپریالیستی - م) ایرانی ها (دولت جمهوری اسلامی - م) نیز مایل به گفت و گوی مستقیم اند. بوش فقط جنگ می خواهد (دولت ضد مردمی جمهوری اسلامی هم برای حل بحران های چاره ناپذیر ، قدرت نمائی اسلامی - منطقه ای و انجام وظیفه برای یکی از سازمان های جاسوسی دولت های امپریالیستی ، فقط جنگ می خواهد - م) در برنامه ی بوش ، دیپلماسی پیش غذای جنگ است .

در مورد طرف های متخاصم ، بخت یار جرج بوش بوده است . اول صدام حسین را داشت که قصاب و لاف زن بغداد بود . حالا هم محمود احمدی نژاد را دارد که قتل عام و سوزاندن یهودیان را انکار می کند ، تهدید می کند که اسرائیل را نابود خواهد کرد ، مدام به تحریکاتش برای غنی کردن اورانیوم شدت می دهد و پلیس اش را به جان صدها زن می اندازند که به مناسبت گرامی داشت روز جهانی زن (در پارک لاله - م) گرد آمده بودند (چون تحلیل کوتاه و کاملاً تلگرافی است ، بدیهی است که نویسنده اگر می خواست 28 سال جنایات جمهوری اسلامی را بنویسد ، باید نه صدها ، که هزاران صفحه کتاب می نوشت - م)

از همه مهمتر این است که احمدی نژاد با بوش وارد بازی موش و گربه و جنگ لفظی شده است .

یک مقام رسمی جمهوری اسلامی ، در ماه مارس (2006) گفت : « ایالات متحده ممکن است این قدرت را داشته باشد که آسیب و درد ایجاد کند ، اما باید بداند که خود نیز باید نتایج زیانبار این آسیب و درد را تحمل کند. بنابراین ، اگر ایالات متحده می خواهد به این روش ادامه دهد ، پس بگرد تا بگردیم .» رهبر مذهبی جمهوری اسلامی علی خامنه ای گفت که کشورش « مثل پولاد » علیه هرگونه تهدیدی از جانب سازمان ملل و یا واشینگتن ، ایستادگی خواهد کرد.

این زبان ، ما را به یاد صدام « مادر همه جنگ ها » می اندازد ، اما در رابطه با احمدی نژاد ، مساله این است که نتوانسته به وعده هائی که به مردم ایران داده بوده است ، جامه ی عمل بپوشاند . این شرایط ، وضع داخلی احمدی نژاد را در امور داخلی ایران ، سخت می کند « کلیر » می گوید : « بوش در ایران برادری را در آغوش خود دارد که هر کدام شان ، فایده ی سیاسی را شدیدتر کردن جنگ لفظی می بینند . »

لاف و گزاف های احمدی نژاد ، بازکردن این بحث جدی را برای بوش امکان پذیر می کند که رژیم حاکم بر ایران چنان جنگ طلب خطرناکی است که به هیچ وسیله ی دیگری نمی توان بازش داشت . اما « کلیر » این نظریه را رد می کند . اولین دلیل او این است که بنا به گزارش های بسیاری ، سال ها مانده است تا رژیم ایران قادر به ساختن سلاح اتمی بشود .

دلیل دومش هم این است که « هیچ دلیلی وجود ندارد که ایران به فرض داشتن سلاح اتمی ، شیوه تهاجمی داشته باشد » « کلیر » می گوید « البته تهدید آمیز است ، اما به نظر می رسد که بیشتر برای دفاع از خود در مقابل حمله باشد.»

« کلیر » معتقد است احمدی نژاد می داند که در صورت استفاده از سلاح اتمی ، کشورش بکلی نابود می شود. « احمدی نژاد در درجه اول یک ایرانی ناسیونالیست است و نمی خواهد که تمدنش منهدم شود. »

به نظر او ، این امکان هم وجود ندارد که ایران سلاح اتمی را در اختیار تروریست ها بگذارد « اگر یکی از گروه های تروریستی از سلاح اتمی ایران استفاده کند ، ایران باید این دغدغه را داشته باشد که سرانجام قربانیان ، منبع تحویل سلاح را کشف خواهند کرد و انتقام هولناکی از ایران خواهند گرفت.»

« باری پوزن » استاد علوم سیاسی موسسه ی تکنولوژی ماساچوست (همان دانشگاهی که نوام چامسکی در آن تدریس و علیه سیاست های ایالات متحده سخنرانی می کند - م) در شماره 27 فوریه نیویورک تایمز نوشته است. « هیچ کشوری حاضر نمی شود از وسایلی استفاده کند که به نابودی کشورش بینجامد.»

« در مورد جمهوری اسلامی ، تضادهای اسلام سیاسی ساخت بریتانیا و ایالات متحده با خالق قدرتمند ، رقابت های

جاری برسر رهبری اسلام ، تضادهای حاد داخلی و ضرورت حیاتی قدرت نمایی برای بقای این حکومت سرکوبگر، به آقای پازن پیشنهاد می کنم در این مورد تجدید نظر کنند. اولاً که احمدی نژاد ناسیونالیست نیست و اسلامیت است که در مقابل ناسیونالیسم قرار می گیرد ، ثانیاً ، حکومتی که سه نسل از کمونیست ها و ناسیونالیست را قتل عام کرده و جامعه را به این روز انداخته ، به قیمت نابودی کشور هم که شده ، پای این جنگ ضد ملی و امپریالیستی خواهد رفت . مگر آن که توان مبارزاتی جهانی ، بتواند اثری بگذارد که در تجاوز نظامی به افغانستان و عراق نتوانست بگذارد . بیهوده نیست که از قدیم گفته اند ملا که سوار خر شود ، پیاده نمی شود ، مگر آن که خود بمیرد و یا خربمیرد . اگر دومی را کشور فرض کنیم که به تاراج اسلامیت های ساخت بریتانیا و امریکا رفته است، تنوری آقای « پوزن » درست از کار در نمی آید . مگر آن که 1- مردم ایران متوجه توطئه شوند و بدون دخالت های نفوذی امپریالیستی حکومت را براندازند، یا اعتراض های جهانی چنان شدتی بگیرد که وقوع فاجعه را متوقف کند تا مبارزان سازمان یافته و توده های آگاه فرصت ابتکار عمل داشته باشند - م)

دولت بوش باید به جای سیخونک زدن به احمدی نژاد و تحریک او برای ساختن بمب اتمی در جهت دفاع ملی ، در این مورد خاص مستقیماً با تهران وارد مذاکره شود . باید شرایطی برای غنی سازی اورانیوم به وجود آید که تامین داشته باشد و درگیری های لفظی کاهش یابد. (من به این می گویم توهم نیروهای حتی پیشرو امریکائی - م)

ساندی تلگراف می نویسد : « طراحان نظامی پنتاگون دارند روی طرحی کار می کنند که با یورش برق آسای هوائی و پشتیبانی موشک های دوربرد نیروی دریائی (موشک های بالستیک) سایت های اتمی ایران بمباران شود.

ولی بوش ، بمب را ترجیح می دهد .

نتایج تجاوز نظامی بوش ، بسیار گران تمام خواهد شد . در درجه اول ، و از همه با اهمیت تر ، زندگی انسان ها مطرح است . آمار تلفات بسیار بالا خواهد بود . چنین حمله ای ، مقدماتاً ده هزار انسان را خواهد کشت . بنا به گزارش فوریه ی گروه تحقیقاتی اکسفورد : « وقتی درگیری توسعه یابد و لاجرم با پاسخ ایرانی ها رو به رو شود ، تلفات قابل محاسبه نخواهد بود.»

بمباران ایران ، شعله ها را در عراق سرکش تر خواهد کرد . آخوند مقتدا صدر ، پیشاپیش اعلام کرده است که نیروهای او به امریکائی ها حمله خواهند کرد . و به احتمال قوی شورشیان عراق مستقیم تر از قبل به دفاع از ایران خواهند پرداخت .

اگر این حمله صورت پذیرد ، ایران جریان نفت و امکانات انتقال نفت را در خلیج فارس مختل خواهد کرد . ایران می تواند جریان نفت از تنگه ی هرمز را مسدود کند. و مقدماتاً می تواند گروه هائی را برای سابوتاژ تسهیلات کویت ، عربستان سعودی و امارات متحده عربی اعزام دارد . این نتیجه ،

بازار نفت را آشفته می کند و حتی قادر خواهد بود اقتصاد امریکا و سراسر جهان را به کلی به هم بریزد.

هر گونه حمله ای از جانب ایالات متحده ، جهان عرب و مسلمانان جهان را بیشتر از واشینگتن بیزار خواهد کرد . به این ترتیب ، نیروهای بنیادگرا تقویت می شوند و فعالیت های القاعده تشدید می شود.

در نتیجه ی بمباران ایران ، نه بنیادگرایان از اریکه ی قدرت به زیر خواهند آمد ، نه جاه طلبی های اتمی شان به پایان خواهد رسید .

محمد سهیمی استاد دانشگاه کالیفرنیا ی جنوبی که اخیرا مصاحبه ای با شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل کرده است ، می گوید : « علیرغم آن که اکثریت ایرانیان با تندروها و حکومت آخوندها مخالف اند ، در این درگیری دور دولت جمع خواهند شد . در این صورت تندروها جنبش رفرمیست های طرفدار دموکراسی در ایران را در هم خواهند کوبید . (این دقیقا نظر خاتم شیرین عبادی است که جایزه صلح نوبل را مصلحتی گرفته و با حکومت دینی ، منتها از نوع پروژه ی دموکراسی امریکائی که رابرت دریفوس در کتاب بازی شیطان به روشنی آن را توضیح می دهد ، موافق است و در نهایت با موازین اسلامی ، بنا به مصاحبه ها و سخنرانی هایش ، مشکلی ندارد - م)

برای فلج کردن ظرفیت اتمی ، حمله می تواند چاره ای موقتی باشد . اما ، در شرایط بدتری می تواند کوشش های ایران برای دست یابی به سلاح اتمی را سرعت بدهد . گروه تحقیقاتی اکسفورد بر آن است که : « اگر چه ممکن است تاسیسات اتمی ایران در یک حمله ضربه بخورد ، اما پاسخ فوری ، ترمیم خرابی و اقدام سریع مخفیانه به بازسازی این تاسیسات و اقدام صریح برای ساختن بمب اتمی خواهد بود . به جای کنار آمدن با ایرانی ها که ظرفیت ساختن سلاح های اتمی را دارد ، عمل ایالات متحده تقریبا به یقین اقدام آشکار ایران برای ساختن سلاح اتمی را ، در دهه های آینده ، هموار می کند ، یا ، توانائی های نظامی ایران را در زمینه های دیگر ، افزایش می دهد. »

علیرغم نتایج مهلکی که بمباران ایران به وسیله ی ایالات متحده به بار خواهد آورد ، بوش و قماربازان جنگی او ، نظریه ی یا همه چیز ، یا هیچ چیز را بر اوضاع مسلط کرده اند . « کلیر » بر آن است که دو دلیل مشخص در این نظریه به چشم می خورد : نیازهای سیاسی بوش و نیازهای روانی او . « کلیر » می گوید : « در مورد نیاز و ضرورت سیاسی متوجه شرایطی که کاخ سفید در چشم انداز می بیند می شویم که فکر می کند. مردم ، در کوتاه مدت ، اما به سرعت از رئیس جمهوری حمایت خواهند کرد . » « کارل روو » معتقد است که بمباران ایران به پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات 2006 خواهد انجامید . « کلیر » فکر می کند حق با او است.

ورای فایده ی سیاسی ، « کلیر » بر آن است که بوش یک دلیل روانی هم برای بمباران ایران دارد.

«بوش فکر می کند که علیه توطئه شیطان ایستاده است . او احساس می کند که اگر به این امر مبادرت نرزد ، نه تنها نزد وجدان (!) خود مقصر است ، بلکه نزد خدا هم مقصر خواهد بود ، برای آنکه بوش فکر می کند دارد به خواست خدا کار می کند.

البته دولت بوش دلایل دیگری هم برای بمباران ایران دارد . خطر دیگری از سر متحد کلیدی ایالات متحده که اسرائیل باشد ، برطرف می شود . تسلط امریکا بر سایر تولید کنندگان نفت ، باز هم بیشتر خواهد شد . و به روسیه و چین علامت می دهد که ایالات متحده هنوز در جوار آنان سگی درنده است .

بسیاری از رهبران حزب دموکرات ، در مورد ایران مشکل چندانی با بوش ندارند . در جریان مباحث مربوط به عراق ، بعضی دموکرات ها ؛ مثل « جان کری » و « جو بیدن » ، بر آن بودند که خطر صدام حسین بزرگ تر از خطر ایران نیست . بسیار خوب ، حالا بوش می تواند از لافی که ایشان در آن زمان زده اند ، استفاده کند . حتی « هیلری کلینتون » در مورد ایران از بوش هم تند تر می رود . او گفته است که ایران مسلح به بمب اتمی « خطر ترسناکی » است . و در ژانویه 2006 به بوش انتقاد کرده است که به حد کافی تهاجمی عمل نمی کند .

بنابراین ، احتمالاً دموکرات های بازهم بیشتری ، نسبت به موضع گیری شان در مورد بمباران عراق ، این بار در مورد بمباران ایران در سمت بوش قرار خواهند گرفت . بمباران ایران ، هنوز بدون چاره نیست . امکان دارد احمدی نژاد از اقدام به غنی کردن اورانیوم کوتاه بیاید (که پس از نوشتن این مقاله ، همین هفته ی پیش رسماً اعلام کرده است که هیچ کوتاه آمدنی در کار نیست - م) هنوز این امکان وجود دارد که جریان اصلی رسانه های خبری ، این بار با چشم بازتری متوجه بازتاب تبلیغات بوش شوند و موضع انتقادی بگیرند. هنوز این امکان وجود دارد که دیگر بار مردم امریکا فریب نخورند .

بر ما فعالان جنبش صلح است تا علیه نقشه ی بمباران ایران بایستیم ، مخالفت با جنگ عراق را برجسته تر کنیم و علیه سانسور و ارباب ایستادگی کنیم . امریکائی ها و مردم سراسر جهان باید بدانند که جرج بوش می خواهد تجاوز نظامی دیگری را به جهان تحمیل کند . باید مردم را به ایستادگی در مقابل این توطئه ی مشترک علیه صلح و امنیت جهان فرا خواند . بوش ، ورشکسته ، بی آبرو و بی اعتبار شده است ، اما اشتباهی جنگ طلبانه اش هنوز خطرناک است . بر ما مردم ایالات متحده است که سرسختانه در مقابل او بایستیم .